

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

جایگاه اشتغال زن در عرصه بین الملل

تألیف
فاتحه عبدي

ويراستار
امير اسدی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

فهرست مطالب

..... ٤	مقدمه
..... ٦	فصل اول
..... ٦	کلیات
..... ٨٤	فصل دوم
..... ٨٤	زن در حقوق بین الملل
..... ٢٠٨	فصل سوم
..... ٢٠٨	زن در اسناد حقوق بین المللی کار
..... ٣٦٥	ضمائمه
..... ٤١١	منابع و مأخذ

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در حوزه حقوق زنان مطرح است، اشتغال زنان است. اشتغال زنان از دیرباز مورد توجه جوامع بشری بوده است. اشتغال زنان از منظر اسناد حقوق بشر و اسناد حقوق بین الملل بویژه اسناد بین الملل حقوق کار قابل بررسی است. واقعیت این است که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. نظام حقوق بشر، حمایت از زنان را به عنوان یکی از اهداف خود، مدّ نظر قرار داده و سازمان ملل متحده، از طرق مختلف، از اشتغال زنان حمایت کرده است.

اشغال زنان از جمله مباحثی است که مورد توجه متخصصان امر قرار گرفته است زیرا در دستیابی به یک جامعه به اهداف توسعه، استفاده از نیروی کار نیمی از افراد جمعیت آن حائز اهمیت فراوان است. حقوق شغلی مندرج در اسناد بین المللی از جمله حقوقی است که زنان در بیشتر جوامع در مضيقه آن به سر می‌برند، با این وجود می‌توان آنان را بهترین و بالاترین معیار به منظور نقد و بررسی وضعیت حقوقی اشتغال زنان محسوب کرد. امروزه حمایت از اشتغال

زنان، به طور عمدۀ، توسط «سازمان بین المللی کار» صورت می گیرد؛ چون پس از انقلاب صنعتی و کشانده شدن زنان به کار در صنایع، ضرورت حمایت از ایشان در برابر برخی خطرها و تنظیم مقررات ویژه در مورد شرایط کار آنان حس می شود. با توجه به اینکه محقق فعال اجتماعی در حوزه کارگری و زنان می باشد با وجود مشکلات فراوان در حیطه آموزش کارگران بیمه تامین اجتماعی و خلاص حضور زنان در مباحث اجتماعی انتخاباتی (سیاسی) و اشتغال در حوزه استانی علی الخصوص شهرستان ساری ، نیاز به بررسی و پژوهش در حوزه کارگری و زنان جهت مرتفع نمودن مشکلات این عزیزان در حیطه این کتاب مورد رسیدگی قرار گرفت . همچنین اسناد بین المللی به شکل های گوناگون، به مسئله «اشغال زنان» پرداخته اند. ممانعت از اشتغال زنان در بعضی از مشاغل ، امتیاز دادن به مردان در زمینه ارتقای شغلی ، عدم پرداخت مزد مساوی برای کار با ارزش مساوی و مزاحمت های جنسی ، همه انواعی از تبعیض شغلی است که در بیشتر کشورها به شدت ریشه دوانیده و از بین بردن آنها کار دشوار و سختی است .

فصل اول

کلیات

۱-۱-گفتار اول : جایگاه زن در اسلام و در

جواجم مختلف

زن ۱-۱-۱

واژه‌ی زن در زبان پهلویژن، در اوستا و هندی باستان جنی^۱ و در انگلیسی باستان wifman به معنی «انسان مونث» بوده است (در برابر werman به معنی انسان مذکر) در آن دوران Man و mann معنی خنثی داشت و فقط نوع انسان را خطاب قرار می‌داد.

نمادی که برای سیاره ناهید (ونوس در نام غربی) در نظر گرفته شده همان نماد جنسیت زن است و آن نیز شکلی نمادین از آینه در دست و نوس خدای روم باستان است. این نماد از یک دایره و یک بعلاوه (صلیب) کوچک در زیر آن ساخته شده است. در یونیکد هم این نماد پذیرفته شده است.

همچنین نماد و نوس نماد زنانگی و رفتار زنانه نیز است. در شیمی دوران باستان عنصر مس نیز همین نماد را داشت. در آن زمان دایره بالای نماد نماد روح و بعلاوه زیر آن نماد ماده در فیزیک بود.

واژه «بانو»، در کتیبه‌های ساسانی و ادبیات زرده‌شی فارسی میانه، در لقب بعضی از ایزد زنان هند و ایرانی و همراه نام همسران شاهان، امیران و بزرگان دربار دیده می‌شود. در ادبیات فارسی، بویژه در منظومه‌هایی مانند شاهنامه، ویس و رامین و خسرو و شیرین، به معنی زن بزرگ و ملکه کاربرد فراوان دارد. قدیمی ترین کاربرد این عنوان در یکی از الواح تخت جمشید به خط عیلامی بصورت ba-nu-ka (احتمالاً با تلفظ بانو کا^۱) در لوحة شماره ۱۷۰۸ است که ظاهراً عنوان ملکه آتوسا^۲ دختر کورش، همسر داریوش و مادر خشایارشا بوده است. در فارسی میانه و پارتی بصورت «بانوگ» دیده می‌شود. چندین بار در "كتيه شاپور اول در کعبه زردهشت"،

1 -ba-nu-ka

2 - (Hutaosa، هوتس)

در عنوان زنان دربار و به عنوان لقب ناهید، ایزدبانوی نگهبان آب، آمده است.^۱

۱-۲-زن در اسلام

زن یکی از زیباترین مظاهر لطف و رحمت الهی است که با خلقتش آسایش و آرامش به عالم هستی اهداء گشته است و در پی این آرامش و سکونت، مبنا و راهکار راهوار کمال در صحنه وجود نقش بسته است.

زن با بهترین نقش و اساسی ترین جایگاه پا در عرصه گیتی نهاد تا متنانت و طماء‌نینه که سرمایه و هستی مردان است را مفهوم بخشیده و مرد را ناخودآگاه تا بسوی بالاترین ارزشها و کمالات همراهی نماید و با این افتخار بهشت را به بهترین بودن خویش زینت داده و افتخار آنرا داشته باشد که به کلمات مباھات آمیز نبی الله الاعظم و ائمه معصومین (علیهم السلام) آمده تا بفرمایند: بهشت زیر پای مادران است و قدر و منزلت زن و مادر را از بهشت هم بالاتر ببرند.

چه فخر و افتخاری بالاتر از اینکه حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها هم یک زن بوده و حضرت نبی اکرم (صلی الله

^۱- دانشنامه جهان اسلام، ب ۲، تهران، ۱۳۷۵

علیه و آله) اشرف خلائق و بالاترين و ارزشمندترین موجود و خلق بارها و بارها خود را فدائی حضرت فاطمه سلام الله علیها بخواند و مگر نه اينست که کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) کلام خداست.

و مگر نه اينست که در آن خطاب الهی علت خلقت را به او برمی گرداند و می فرماید: لو لا فاطمه لما خلقتکما یعنی اگر نبود فاطمه نه تو ای پیغمبر و نه علی امیر مومنین (علیه السلام) را خلق نمی کردم. آنقدر در فزونی مقام و جایگاه او بخاطر وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) گفته های قدسی موجود است که مردان را مبتلا به یک رشك و غبطه می کند که خوشابه حال زنان با آن مقام رفيع

۱-۳-زن در جامعه

جایگاه و موقعیت زن در جامعه بشری، ارج نهادن به او به عنوان رکن مهم پیکره انسانی و فرصت دادن به او برای اعمال اراده و نظر خود در مسایل شخصی و اجتماعی و

مبازه با تبعیض های گوناگون در حقوق و تکالیف او مساله ای است که در طول تاریخ بشری همواره مطرح بوده است. تاریخ ورود زنان به فعالیت های اقتصادی و کار قدمتی به اندازه زندگی بشر بر روی کره زمین دارد که از همان آغاز زن و مرد هر دو برای ادامه بقا و حیات به کار مشغول شدند. از دورترین دوره های تاریخ تا عمر حاضر، هر گاه زنان فرصتی به دست آورده اند نسبت به وضع موجود و سنت های جاری حاکم بر جامعه خود اعتراض کرده و خواستار رفع تبعیض موجود بین خود و مردان شده اند. تفاوتها و تبعیض های ناروا بین زن و مرد در همه دورانها و نزد همه ملل و اقوام، کم و بیش وجود داشته و همواره نیز از سوی زنان و یا گروهایی از مردان مدافعان حقوق آنها اعتراضات و اقداماتی برای الغای تبعیض ها و احتجافها به عمل آمده و به نتایجی هم منجر شده است. در حال حاضر نیز با وجود اقدامات فراوانی که در این زمینه صورت گرفته است و قوانین بسیاری از کشورها مخصوصاً کشورهای غربی به تساوی حقوق زن و مرد در همه زمینه ها تصریح دارند، باز هم اعتراض زنان در

خصوص وجود و تبعیض و عدم احراق حقوق آنان شنیده می شود.

از زمانیکه بشر پا به عرصه وجود گذاشت و برای ادامه زندگانی خود، به حکم ضرورت به مبارزه با طبیعت برخاست، زن و مرد در کنار یکدیگر گام برداشته اند. با این حال با تشکیل اجتماعات انسانی، تقسیم عادلانه بین نقش ها و در اداره جامعه از میان رفت و در نتیجه قدرت نابرابر شکل گرفت. اگر قدرت با هریک از جنسها همراه باشد میتواند در شکل دهی به ساختارهای متفاوت جامعه بسیار مهم باشد. فی المثل ساخت یک جامعه زن سالار متفاوت از ساخت جامعه پدرسالار است. در دوره اول زن و مرد وظایف و مشاغل مختلف داشته اند با این حال همکار و مکمل هم بوده اند و هیچ چیز از پیش، میین برتری یکی بر دیگری نبوده است و بر اثر تعاؤن، مناسبات متعادل و متوازنی که بین آنها پدید آمده استحکام یافته بود.

در این اجتماعات، شیوه زندگی بر پایه شکار و گردآوری خوراک قرار گرفته است. مرد به شکار می رفت، زن به جمع

آوری خوراک مشغول بوده است و گاهی نیز به شکار میرفت. هر یک از این دو، توانایی خاصی داشت که برای انجام دادن کاری، ضروری بوده. ارزش هردو برابر هم می‌بود. محل اقامت در این مرحله، دو مکانی است و فرزندان همواره دوباری اند.

در دوره زن سالاری، زن قدرت بسیار می‌یابد، چرا که کار زن، کشاورزی است و مشغله مرد دامداری است. اساساً اساس برتری زن بر مرد و یا بالعکس را همین عامل مهم، تعیین می‌کند. اگر عامل اقتصادی و تکنیکی در دست هر یک از جنس‌ها باشد، آن یک قدرت را به یدک می‌کشد و سپس ارزش‌ها و هنجارها نیز به سراغ قبول ذهنیتها از این برتری خواهد آمد. همانطوری که در دوره زن سالاری زن به اقتضای کار و فعالیتش، یعنی کشاورزی، مادر و سرور طبیعت دانسته می‌شود، در دوره پدرسالاری با در اختیار گرفتن فعالیتهای اقتصادی توسط مردان، اهمیت یافتن نرینگی رشد پیدا کرد و در پی آن عقاید و فرهنگها نیز در پی توجیه مردسالاری برآمده اند.

دختران و زنان با بر عهده داشتن مسؤولیت خطیر پرورش نسل آینده در نظام طبیعی و تداوم بخشیدن به این نقش در خانواده و جامعه به گونه ای موثر در روند توسعه اجتماعی نقش داشته اند. جایگاه زنان و دختران در جوامع به عنوان قشر فرهنگ ساز، از جمله موضوعات در خور انتنایی است که می توان از منظر انسانی به آن توجه کرد و ابعاد آن را با بهره گیری از تلاش های علمی و پژوهشی مورد کاوش قرار داد. هر نهادی در جامعه که پاسخگوی برخی از نیازها است، ترکیبی از زنان و مردانی است که در آن سهم مشترک دارند. اما نقش زنان به دلیل نزدیکی به فرزندان، در ایجاد و حفظ باورهای روزمره بسیار بیشتر از مردان است. باورهای روزمره در صورت تداوم تبدیل به باورهای اساسی می شوند. باورهای اساسی از آن جهت که به حرکت ها و جهت گیری های جوامع در موقع حساس می انجامند، بسیار مهم و قابل توجه اند. در عصر کنونی که همه چیز با شدت تمام در حال دگرگون شدن است، تغییر و تحول سریع جامعه همه چیز را به سرعت تغییر می دهد و اطلاعات مدام تازه می شوند.

بایگانی ادراکی افراد نیز باید با سرعت بیشتری اصلاح گردد. لذا زنان و دختران نیز برای ایفای بهینه وظایفشان باید با پرورش استعدادهای خود به تمامی عرصه ها و سطوح مسؤولیت هایی که تاکنون در انحصار مردان بوده است گام بگذارند و برای این کار، برخورداری آنان از حقوق و به ویژه امکانات برابر با مردان ضروری است. در عصر کنونی، توانمندسازی زنان، توانمندسازی کل عالم بشری است. اما این که چه عوامل و موانع موجب شده از این نیروی بالقوه عظیم در جهت حل مسائل و رشد جامعه کمتر استفاده شود آنهم در شرایطی که کشور ما نیاز دارد هرچه پرشتاب تر با اتکا به نیروی انسانی متخصص و کارдан به سوی توسعه حرکت کند نیازمند بررسی ومطالعه وضعیت زنان در قرون و اعصار گذشته است.

زنان در سراسر جهان نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای در اداره امور خانواده و جامعه دارند. آنان برای تسريع روند تغییر و تحقق هدف های توسعه پایدار ، می توانند مسؤولیت بسیار جدی و مهمی را بر عهده گیرند.

آموزش زنان و مشارکت آنان در بازار کار نقش به سزایی در توسعه کشور داشته به گونه ای که حدود نیمی از جمعیت شاغلین در کشور را زنان تشکیل می دهند . از سوی دیگر ، در هرجامعه ای پرورش نسل آینده به دست زنان است و حتی اگر آنها جذب بازار کار شوند ، آموزش می تواند آنها را در پرورش بهتر فرزندان یاریگر باشد. در کشور ما طی سال های اخیر زنان هم در بحث اشتغال فعالیت عمده ای داشته اند و در این زمینه باید فعالیت های فرهنگی را در جهت بهبود نقش سنتی مادران انجام دهیم تا موقعیت زنان در جامعه بهبود یابد و زنان با تزریق فکر و ایده به کالبد اقتصادی جامعه ، مسیر رشد و توسعه را هموارتر سازند.

آنهمی توانند در تمام قسمت های اقتصادی بازوی اصلی و قدرتمندی برای پیشبرد اهداف باشند . به عنوان مثال در بسیاری از نواحی کشورهای در حال توسعه ، رشد زنان در اداره امور کشاورزی ، آب ، جنگل داری و منابع انرژی افزایش یافته است . زن به عنوان یک مادر و یا به عنوان شخصی که در زندگی اجتماعی و شغلی با افراد مختلف در

ارتباط است و به خاطر ویژگی های روحی و عاطفی به خصوص خود می تواند یک حامی و نگهبان در جامعه و در نتیجه حافظ توسعه پایدار باشد.

زنان باید به خود اهمیت و ارزش خاصی دهند تا بتوانند در تمام زمینه ها مدیران خوبی باشند . در دنیا زنانی وجود دارند که با همت و سعی خود توانسته اند مدیران موفقی شوند . از جمله مسؤول برنامه ریزی اقتصادی شرکت نوکیا که با سیاست های خاص خود شرکت را در سطح جهانی مطرح کرده است و البته از اینگونه افراد در جامعه زیاد داریم و در واقع اعتماد به نفس در هر شخصی رمز موفقیت است. زنان بایستی هنجارهای رفتاری مشخص و تعیین کننده ای را در زمینه های مختلف پذیرند و آنها را ترویج دهند ولی اجرای این برنامه ها احتیاج به یک محیط سالم در جامعه دارد ولی با این وجود هنوز در جامعه ایرانی نرخ مشارکت زنان کم است.

براساس آمار به دست آمده در سال ۱۳۸۰ نرخ مشارکت زنان بین ۲۴۱۵ تا ۱۳ سرد بوده است و براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ در ایران بیش از ۱۳ میلیون زن ایرانی

شغل خود را خانه داری توصیف کرده اند البته این تعداد به منزله پایین بودن چشمگیر نرخ مشارکت زنان در بازار کار است و علت این امر هم نقش دوگانه زن در خانواده و اجتماع است . زن با بهره مندی از خصایل ، استعدادها و روح لطیف انسان گرایی در پی ایجاد آرامش برای هردو محیط است.

پس توسعه کشورهای درحال رشد برای زنان نقشی دوسویه به همراه دارد و بی گمان نقش زنان در مشارکت مفهومی فراتر از حضور آنان دارد . براساس پیش‌بینی‌های انجام شده تا سال ۱۳۸۸ یک سوم نیروی کار زنان بین سنین ۲۰ تا ۲۴ ساله است و عرضه نیروی کار زنان در گروه سنی ۲۴۲۰ ساله از ۱۷/۲ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳۲ درصد در سال ۱۳۸۸ افزایش خواهد یافت و به عکس سهم آنان در گروه سنی ۲۵ ساله و بیشتر از ۶۱/۳ درصد به ۵۶ درصد کاهش خواهد یافت . در واقع نرخ مشارکت زنان روندی فزاینده داشته است و از مهم ترین دلایل این افزایش را می توان در افزایش سطح تحصیلات زنان عنوان کرد.

علاوه بر این عامل ، افزایش سطح تحصیلات موجب بالارفتن سن ازدواج و کاهش نرخ زادو ولد گردیده که موارد فوق مشارکت در فعالیت های اقتصادی را تشدید نموده است و با توجه به این موارد پیش بینی می شود که در سالهای آینده نرخ مشارکت زنان و عرضه کار آنان همچنان از روندی فزاینده برخوردار شود که این امر باعث رشد توسعه اقتصادی کشور می گردد.

۱-۴-زن در زندگی مشترک

خانواده یک سازمان کوچک و بسیار دقیق و حساس است که به حضور کامل زن و مرد به عنوان دو فرد کامل که دارای رشد فکری و شخصیتی باشند نیازمند است. هرگز مفهوم ازدواج و زندگی مشترک ، پنهان شدن یکی در ذیل عنوان و مشخصات و اهداف دیگری نیست. آنچه که لازمه یک زندگی زناشویی موفق است احترام متقابل و تساوی حقوق زندگی بین زن و مرد است. حال اگر زنی بخواهد در هر مورد شانه از زیر بار مسئولیت ها خالی کند هر گونه امکان رشد و پرورش فکری را از خود سلب کرده است. گروهی دیگر از زنان هم همواره مردان را مورد ستایش قرار

می دهند. آنچه که لازم است در اینجا یادآور شویم این است که ستایش کردن مردی برای محسن اخلاقی وی ، هم منطقی است و هم زیبا. اما اگر بخواهیم مردان را مورد ستایش قرار دهیم فقط به این دلیل که آنها موجوداتی از نوع مخالف ما هستند نه تنها منطقی و پسندیده نیست بلکه کاری بس احمقانه می باشد. اینگونه رفتارها یک وابستگی مداوم و سلطه کامل را برای ما می آفریند و سبب می شود همانند یک کودک در انتظار شنیدن یک کلمه ستایش آمیز او بمانیم که شاید او هرگز به زبان هم نیاورد. اگر زنی بدون علت و بی هیچ شناخت شخصیتی زبان به ستایش یک مرد گشود دیگر نمی تواند از حقوق مساوی و آزادی و سازندگی شخصیتی برای خودش دم بزند.

مردان هم موجوداتی معادل زنان هستند، با کمی اختلافات جسمی که لازمه تکامل زندگی بشر است. همانطور که برای مردان لازم است قبل ازدواج کاملاً رشد فکری و شخصیتی پیدا کنند و تخصصی را کاملاً بیاموزند ، برای زنان هم لازم است قبل ازدواج کاملاً رشد فکری و شخصیتی پیدا کنند

و یک تخصص را بیاموزند. ازدواج ، بنا نهادن یک خانواده است و خانواده یک سازمان بسیار دقیق و حساس است و به افراد بالیاقتی احتیاج دارد تا اموراتش را سازمان دهند.

۱-۵-زن در حقوق بشر

از آن جا که همواره توجه به موضوعات و پژوهش‌های علمی همراه با پدیده‌ها و نیازهای هر عصر بوده است، امروزه نیز توجه به مسایل زنان و مطالعات پیرامون آنها و نیاز به پژوهش علمی در رابطه با آن به صورت یک امر ضروری ظاهر شده است. موضوعی که تقریباً تا مدتی پیش به دلایل خاص فرهنگی، تاریخی و شاید به خاطر عدم شناخت و اهمیت آن نقش چندانی در مطالعات علوم انسانی نداشته است، اکنون بخشی از کل رشته‌های علوم انسانی را به خود اختصاص داده است و از مباحث پر رونق در محافل علمی و اجرایی در سطح ملی و بین‌المللی گردیده است.

در این راستا توجه به حقوق زن، به عنوان بخشی از مطالعات زنان به دلیل اهمیت بنیادی که در وضعیت زنان در عرصه‌های گوناگون دارد قابل تبع بیشتری می‌باشد. از طرفی حقوق زن در مقایسه با سایر نظام‌های حقوقی مربوط به افراد شکل خاص خود را نیز دارد و آن به دلیل تنوع جنبه‌های

حقوقی مربوط به آن است به طوری که درمیان کلیه شاخه‌های علم حقوق برای خود جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا زنان علاوه بر این که نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند، طیف وسیعی از اشار گوناگون جامعه را نیز در بر می‌گیرند. بدین ترتیب حقوق زن ضمن این که از جنبه حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی قابل بررسی است، به طور مستقیم و غیرمستقیم با تمام زمینه‌های حقوقی و به عبارتی با کل علم حقوق در ارتباط است.

در تعریف حقوق زن می‌توان گفت در سطح کلی، جزیی از حقوق بشر است که به عنوان حقوق اساسی و غیرقابل انتقالی تلقی شده که برای زندگی زن به عنوان یک انسان ضروری است و به صورت جزیی‌تر، حقوق زن عبارت است از آن حقوقی که برای زندگی انسانی زن به واسطه زن بودن، یعنی جنسیت او ضرورت دارد. بنابراین ضمن این که عنصر اساسی مفهوم حقوق زن، تساوی با مردان و رفع تبعیض نسبت به زنان به سبب جنسیت آنها است، از طرف دیگر عنصری وجود دارد که بدون آن با اجرای عنصر اول به مقصود اصلی

نخواهیم رسید و آن تدابیر حمایتی است که باعث ایجاد شرایط لازم و تساوی و فرصت‌های برابر زن و مرد می‌گردد. مبنای اصلی برابری زن و مرد به عنوان یکی از مصاديق حقوق بشر به حقوق طبیعی بر می‌گردد، حقوقی که به صرف انسان‌بودن برای انسان حاصل می‌شود و اراده انسانی در ایجاد آن دخالتی ندارد و قواعد آن ثابت و غیرقابل تغییر می‌باشد؛ بدین معنا که اگر صاحب حق بودن برخاسته از ذات انسان و لازم و ملزم انسانیت اوست، پس نابرابری‌های فیزیکی و اختلافات مبتنی بر نژاد و زبان و جنس و سن و آداب و محیط زندگی و غیره نمی‌توانند در حقوق انسانی وی موثر باشند.

در سال‌های اخیر، طرفداران حقوق زن در جهت برابری و رفع تبعیض نسبت به زنان تلاش‌های بسیاری نموده‌اند لکن علی رغم موقفیت‌های نسبی، زنان در جهت رسیدن به برابری حقوق انسانی با مردان راه طولانی در پیش دارند زیرا هنوز تبعیضات زیادی بین زنان و مردان به چشم می‌خورد که یکی از آنها تبعیض در زمینه حق اشتغال و داشتن کار می‌باشد.

حق اشتغال یکی از حقوق بنیادین انسان‌ها می‌باشد که جزو حقوق فطری محسوب می‌گردد. این حق مقوله‌ای با اهمیت

بسیار است که در به ثمر نشستن نیازهای مادی و غیرمادی نقش اساسی دارد، زیرا کار علاوه بر این که یک نیاز معنوی می‌باشد راهی برای وصول به نیازهای ضروری است. نیازهای هر انسانی از خواسته‌های جسمانی، روانی و اجتماعی وی سرچشمه می‌گیرند و بسیاری از آنها باید از طریق کار و استغال برطرف شوند. این حق اگر چه حقی متعلق به همه افراد بشر می‌باشد لکن برای بهره‌گیری از آن زنان نسبت به مردان با مشکلات و معضلات بسیاری مواجه هستند.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر^۱ اعم از اسناد عام^۲ و اسناد ویژه طرفدار حقوق زنان، سعی در رفع نابرابری‌ها و تبعیضات شغلی

۱- به طور کلی به هر گونه مصوبه مکتوب رسمی دولت‌ها [تابعان حقوق بین‌الملل] که در قالب سند یا مدرکی تنظیم می‌شود نظری یک معاہده (treaty) و در آن اهداف و مقاصد دولت‌ها در ارتباط با اصول یا هنگارهای حقوق بشری مورد تأکید قرار داده می‌شود اصطلاح سند حقوق بشری اطلاق می‌گردد.

۲- اسناد بین‌المللی حقوق بشری را بر مبنای گستره‌ی شمول آنها و پوشش حمایتی نسبت به حقوق تمامی انسان‌ها به اسناد بین‌المللی حقوق بشری عام و اسناد بین‌المللی حقوق بشری خاص می‌توان تقسیم نمود. اسناد بین‌المللی عام حقوق بشری آن دسته از اسنادی هستند که گروه‌های خاصی را مدنظر نداشته و به حقوق همه انسان‌ها صرف نظر از تعلقات عرضی همچون جنسیت، مذهب، تابعیت و.

زنان داشته و در تغییر بینان‌های اجتماعی و قانونی تلاش نموده‌اند. کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان (مصطفوب ۱۹۷۹م.) مجموعه منسجمی است از همه استانداردهای حقوق زنان و یکی از دستاوردهای مهم جامعه بین‌المللی که به بررسی ابعاد مختلف حقوق شغلی زنان پرداخته است.

این کنوانسیون نظری بر ایده‌های فمینیستی نداشته و در واقع به موقعیت واقعی زنان در جوامع می‌پردازد و سعی در جهت رفع قوانین غیرمساعد به حال زنان و تبعیض‌آمیز از طریق تشویق کشورها به همراهی و الحاق به این کنوانسیون نموده است. آنچه در نهایت به ذهن خطور می‌کند، این است که

.. می‌پردازد، نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸). در مقابل این دسته از اسناد، اسناد بین‌المللی حقوق بشری خاص قرار دارند که گروه‌های خاصی را مورد پوشش حمایتی خود قرار می‌دهند. این اسناد در گروه‌های متنوعی قابل طبقه‌بندی هستند؛ زنان، پناهندگان، کودکان، مردمان بومی، اقلیت‌ها، معلولین، کارگران مهاجر، زندانیان و... از جمله گروه‌هایی هستند که موضوع این دسته از اسناد حقوق بشری قرار می‌گیرند. هر یک از این دو دسته اسناد از حیث ماهیت سندی، گاهی به صورت الزام آور و تحت عنوانی چون ميثاق و کنوانسیون یا معاهده تنظیم می‌شوند و گاهی هم به اقتضای ماهیت ویژه حقوق بشری به صورت اسنادی غیر الزام آور تحت عنوان اعلامیه‌ها تدوین و تصویب می‌گردند.

تلاش‌های رفع تبعیض از زنان از جنبش‌های طرفدار زن گرفته تا اسناد حقوقی و اعلامیه‌های جهانی حامی حقوق بشر همه در پی یافتن راهی برای غلبه بر نابرابری‌ها بوده و هستند، اما چرا با وجود همه این حمایت‌های جهانی باز هم زنان قادر به رهایی از قفس آهنین چنین وضعیتی برای نیل به حقوق حقه خود نیستند؟

اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ سازمان ملل که به سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید، حقوق بشر را مشمول تعریف مبسوطی قرار

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ با رأی مثبت ۴۸ دولت از ۵۶ دولت عضو سازمان ملل طی قطナمہ A۲۱۷ بدون هر گونه رأی مخالف و با رأی ممتنع به تصویب رسید. این سند نخستین اعلامیه فراگیر حقوق بشر است که از سوی سازمان بین المللی اعلام شده و طبعاً موقعیت معنوی و سیاسی ممتاز و مهمی به دست آورده است. اعلامیه مذبور مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده بوده و بیانگر تفاهم مشترک ملت‌ها درباره حقوق و آزادی‌های اساسی انسان است که همواره باید مورد توجه، آموزش، احترام و عمل قرار گیرد. اعلامیه دو نوع حقوق که عبارتند از حقوق مدنی و سیاسی (حقوق نسل اول) و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حقوق نسل دوم) را در بر داشته و حاوی بیان محدودیت‌های مربوط به اعمال این حقوق و آزادی‌ها نیز می‌باشد.

داده و جان کلام را معطوف به این کرده است که نگهداشتن حرمت حقوق مردم در سراسر جهان تضمین شود. ماده‌ی ۲ این اعلامیه، بی‌آنکه از حقوق زنان سخن چندانی در پیش کشد، تأکید اصلی را بر حقوق و آزادی‌های مصروف در اعلامیه متمرکز کرده و از طرح هرگونه تمایز، منجمله تمایزهای جنسی، اجتناب ورزیده است. به علاوه، اگر از روزنه‌ی زندگی زن به این اعلامیه نگریسته شود، نقض بسیاری از حقوق زنان منجمله تجاوز به عنف و ضرب و شتم را می‌توان به سهولت از خلال مواد جاری دریافت. چنین است فی المثل که «هیچکس را نمی‌توان در معرض شکنجه یا رفتار و مجازات بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار داد». مسئله این است که در امور مربوط به زنان، توضیح و تبیین چندانی در باب این حقوق صورت نگرفته است و به همین خاطر هیچ نهاد سرشناس بین‌المللی حقوق بشری، که به قوانین و طرز اجرای آن‌ها در این زمینه پردازد، در دسترس نیست. در این صورت مفاهیم و تعاریف مسلط جاری از حقوق بشر و ساز و کارهای اجرای آن در جهان امروز، نهايتاً با آنگونه از نقض‌ها ملازمه دارد که تدوین کنندگان

اعلامیه را بیش از هر چیز نگران خود کرده بوده است. از آنجا که زنان در بحث و فحص‌های مربوط به حقوق بشر نمایندگی جامع نداشتند، تعاریف مطرح شده، گرایش به غفلت از تجربه‌ی زنان (و ایضاً بسیاری از مردان رنگین‌پوست) داشته است.

معدالک باید در نظر داشت که حقوق بشر نیز مثل دموکراسی و سایر ایده‌آل‌های تحرک آفرین، نه ایستاست و نه در انحصار گروهی خاص. درست است که این گونه مفاهیم در لحظه‌ی تاریخی خاصی سر برکشیده و در محدوده‌ی نیازهای بخش محدودی از آدمیان تعریف شده‌اند، ولی تحرک درونی و تناسب بی‌وقفه‌ی آن‌ها از این حقیقت نشأت می‌گیرد که شمار روزافزونی از مردم به آن‌ها تعلق خاطر می‌یابند و با گذشت زمان به بسط معنای «حق» می‌پردازند تا بتوانند آرزوها و مطالبات خود را مشمول آن سازند. در خلال چهل سال گذشته بسیاری از خلاقیت‌های جنبش دفاع از حقوق بشر از معبّر بسط مفاهیمی صورت گرفته که بتواند در اموری از قبیل تبعیض‌های نژادی، سر به

نیست شدن افراد، حقوق اجتماعی و اقتصادی، و حق همگان در برخورداری از دوام محیط زیست به طرح مسأله بپردازد. به همین روال، زنان نیز مفهوم حقوق بشر را آنسان دگرگون می‌سازند که بتوانند در برابر تحکیر و خشونتی که مخل حرمت انسانی و حق حیات و آزادی و امنیت آنان است، قد علم کنند.

۱-۶-۱-۱- زنان در جوامع در حال توسعه

توسعه پایدار به عنوان یکی از بسترهای تعالی و رشد انسان، آنگاه می‌تواند موثر باشد که با یاری و مشارکت همه گروه‌های اجتماعی و برای همه آنان صورت پذیرد. در میان گروه‌های اجتماعی زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و به دلیل ارتباط مستقیم آنان با گروه‌های سنی جوانان، نوجوانان، کودکان و نیز تأثیر نیم دیگر جمعیت، یعنی مردان از مهمترین و مؤثرترین گروه‌های اجتماعی به شمار می‌آیند، و این واقعیتی است که در جوامع در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. توانمندی زنان، استقلال زنان و بهبود شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و بهداشتی آنان از اهداف بسیار مهمی است که برای

دستیابی به توسعه پایدار امری ضروری تلقی می‌شود. توجه به نقش زنان در فرآیند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی ناشی از دو واقعیت مهم عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اجتماعی، اقتصادی زنان در این کشورها بود. نتیجه آنکه با وجود طرح رهیافت‌های مختلف برابری زنان و مردان به نظریه رفاهی مساوات و فقرزدایی، نظریه کارایی و نظریه توانمندی زنان توجه جدی شد. به همین جهت امروزه دنیا با این واقعیت مواجه شده که زنان دیگر نمی‌توانند به عنوان عوامل نامرئی در فرآیند توسعه به حساب آیند نقش آفرینی و توانمندی‌های زنان در میزان موقیت دولت‌های در حال توسعه در زمینه کنترل رشد جمعیت، بیکاری و پراکندگی درآمد فردی و حفظ محیط‌زیست سیاستگذاران کلان دولتی را وامی‌دارد تا زنان را از حصار نامرئی بودن درآورد. با توجه به تعاریف و نظریه‌های توانمندی پنج نوع مفهوم توانمندی مورد توجه قرار گرفته است که؛ شامل آگاهی، مشارکت، دسترسی به منابع، رفاه و کنترل یا قدرت تصمیم‌گیری می‌شود

۱-۱-۷- نقش پررنگ زنان در توسعه کشورهای صنعتی

در مباحث مربوط به «توسعه»، اقتصادانان و جامعه شناسان، جملگی این واقعیت را پذیرفته‌اند که تنها عاملی که سرانجام جهت سرعت و آهنگ رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی هر کشوری را تعیین می‌کند نیروی انسانی آن جامعه است نه سرمایه فیزیکی و یا منابع طبیعی و مادی آن؛ بنابراین شرایط اساسی شکوفایی و بالندگی هر جامعه در توسعه سرمایه‌های انسانی و تربیت نیروی کار نهفته است.

توسعه سرمایه انسانی که از راه آموزش فراهم می‌شود، موجب خواهد شد انتقال تکنولوژی و پیشرفت‌های صنعتی به آسانی صورت پذیرد. در این راستا زنان که نیمی از جمعیت و نیروی انسانی را تشکیل می‌دهند در دهه‌های اخیر نقش به سزاوی را در رشد و توسعه جوامع غرب بازی کرده‌اند؛ در توضیح باید گفت که انقلاب صنعتی در غرب که موجب ایجاد اصلاحاتی در زمینه اشتغال و قوانین مربوط به آن شد به ظهور فرایند توسعه در غرب کمک کرد.

انقلاب صنعتی باعث شد که مردان و سیاستگذاران به این مساله پی ببرند که نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل داده‌اند و بدون استفاده از این نیروی کار عظیم ره به جایی نمی برسند؛ در نتیجه برای استفاده از این نیرو اصلاحاتی را انجام داده‌اند و در پی آن با شروع جنگ جهانی و حضور بیشتر مردان در صحنه جنگ فعالیت‌های زنان در مراکز صنعتی بیشتر شده و در طی زمان با نیاز پیدا کردن به تحصیلات ویژه، زنان نیز بیشتر تحت آموزش قرار گرفتند و این رابطه موجب بالا رفتن سطح تحصیلات و فعالیتهای بیشتر زنان در سطح جامعه شده است.

می‌توان این فرایند را قبل از شکل گیری اینگونه توضیح داد که: تا قبل از آنکه در طی تحولاتی از جمله رنسانس، انقلاب صنعتی و جنگ‌های جهانی اول و دوم نگرش جوامع غرب نسبت به جایگاه زنان تغییر کند. زن به سبب آنکه بخش فعال و مهم عمر خود را صرف خانواده با اهداف رسیدگی به امور فرزندان، کارها و وظایف سنتی و... سپری می‌کرد مطرود شناخته شده و محکوم به ضعف عقلانی گردیده بود.

فشار صنعت ورشد فرهنگ علمی زن را واداشت تا برای اثبات توانایی فکری خود به میدان تفکر عقلانی و علمی روی آورد و زن خود را با نیازهای علمی جدید تطبیق دهد. رشد نمودار آموزشی زنان، آنان را به عنوان قویترین نیروی تعلیم پذیر مطرح نموده؛ به گونه‌ای که پژوهشگران به پیشرفت درسی آنان از سطوح اولیه تا پیشرفت‌هه اعتراف کرده‌اند.

سطوح تخصصی با رفع اتهام تاریخی زن، توان و استعداد او را پذیرفت و با حضور بیشتر زنان در فعالیتهای اقتصادی غرب موجب بالا رفتن سطح تولید و در نتیجه ایجاد روابط بازارگانی با دنیای خارج، کسب ثروت و بالاخره توسعه یافته‌گی در غرب شد و به دنبال اتمام دهه ۱۹۷۵-۸۵ که تحت عنوان دهه بین المللی زن نام گرفته بود، بخشی تحت عنوان «زنان در توسعه» در برنامه عمران سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۷ تاسیس شد.

مطالبات متعددی از سوی نهادهای بین المللی زنان در مورد تجزیه و تحلیل موقعیت زنان در سطوح منطقه‌ای و ملی و میزان اشتغال آنان و عوامل بازدارنده فعالیت زنان و نقش زنان در توسعه انجام شد که سعی در آماده سازی افکار عمومی

ملت‌ها و سیاست‌گذاران و برنامه ریزان جهت حل مشکلات مربوط به دستیابی زنان به اشتغال بیشتر را داشته است. همانطور که گفتیم از آنجایی که در بررسی عوامل موثر بر توسعه اقتصادی، اجتماعی توجه به نیروی انسانی و تخصصی مطرح است، لذا سخن از اشتغال زن و رابطه با توسعه نیز ضروری می‌نماید.

چنانچه در گزارش از شاخص‌های توسعه انسانی سازمان ملل میزان مشارکت زنان در بخش‌های مختلف از جمله شاخص‌های توسعه مورد نظر واقع شده است. در ایران یک سوم شاغلین زن هستند که از این تعداد ۸۰ درصد آنها در سه وزارت خانه آموزش و پژوهش، علوم و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مشغول به کارند. از این آمار معلوم می‌شود که تمرکز فعالیت بانوان در ابعاد تخصصی بیش از کارهای دیگر است.

افزایش فعالیتهای تخصصی بعد از انقلاب اسلامی ۴۰ درصد می‌باشد. اما یک زن شاغل در جامعه ایران که روابط و مناسبتهای آن سنتی است ولی فضای آن یک

فضای مدرن می‌باشد با بحرانهایی روبرو است. در چنین جامعه‌ای، عوارضی از مواجهه سنت و مدرنیسم ناشی می‌شود و موجب پیامدهای بحران زایی می‌گردد. مثلاً وقتی صحبت از مشارکت در اجتماع می‌شود، از یکسو فشار مدرنیزم برای مشارکت زن و منزلت اجتماعی اش دچار افراط می‌شویم و از سوی دیگر تحت تاثیر سنتهای مرد سالارانه دچار تفریط.

عارض ناشی از این منازعه بین سنت و مدرنیسم بیش از پیش به زن لطمه می‌زنند و تحت فشار فزاینده‌ای قرار می‌دهد. به عبارت دیگر می‌خواهیم بیش از گذشته بارهای جدید اقتصادی و اجتماعی را به دوش زنان بگذاریم در حالی که هنوز ملزمات و امکانات و زمینه‌های خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی تسهیل کننده این مشارکت در جامعه وجود ندارد. براساس آمار موجود، در جوامع پیشرفته بیش از ۵۰ درصد زنان در فعالیت‌های اقتصادی سهم دارند در ایران این رقم ۱۲ درصد آمارگیری شده است. البته نقش پنهان زنان در اشتغالات غیررسمی بدون مزد در این آمارگیری مورد توجه قرار نگرفته است.

می توان گفت یکی از معیارهای توسعه یافته‌گی که از همان میزان استغال زنان در جامعه می‌باشد در ایران بسیار ناچیز است و همچنان نیز رو به کاهش می‌باشد چرا که بسیاری از مراکز دولتی و اداری از استخدام زنان با وجود تحصیلات بالای آنان سر باز می‌زنند که شاید یکی از اصلی ترین دلایل این مساله آن باشد که بینش سنتی جامعه ما مرد را نانآور خانه می‌داند که نداشتن شغل برای آنان نسبت به زنان مهمتر است.

در این میان زنان که در پی کسب استقلال و مشارکت بیشتر در امر امور معاش و همراهی مرد خانواده هستند. جذب مراکز خصوصی و با حداقل درآمد و ساعات کار بالا البته بدون دارا بودن حداقل تسهیلات اجتماعی شده‌اند. این درحالی است که جوامع غربی سعی در دخیل کردن هرچه بیشتر زنان در محیط خارج از خانه دارند. مثلاً دولت فرانسه مهلت دو ساله‌ای در اختیار کارخانجات و شرکت‌هایی که در زمینه صادرات و واردات فعالیت دارند قرارداده است تا زنان را به استخدام درآورند در غیر این صورت به دلیل اجرا

نکردن قوانین جدید با پلمنپ شدن درهایشان مواجه خواهد شد.

نتیجه کلی آنکه: با وجودی که نیروی انسانی اصلی مهم برای رسیدن به توسعه می‌باشد در کشور ما و به طور کلی در کشورهای جهان سوم همچنان به دلیل وجود بعضی نگرش‌های سنتی سعی در محدود کردن آنها برای استغال در خارج از خانه می‌شود در صورتی که می‌توان گفت وجود همین زنان به عنوان نیمی از نیروی انسانی و حتی در دوران جنگ‌های اول و دوم شمار بالایی از نیروی کار را تشکیل می‌دادند که موجب توسعه یافتنگی ملل غرب گردیده است. در این صورت برای توسعه یافتنگی کشورهای در حال توسعه یکی از مهمترین اصول، تغییر نگرش جامعه و همین طور دولتمردان آن برای ایجاد شرایطی می‌باشد که مشارکت فعال بانوان را در جامعه تسهیل نماید.

۱-۲-۱-گفتار دوم : اشتغال زنان در اسلام و جوامع مختلف

۱-۲-۱-۱-دیدگاه اسلام در خصوص اشتغال زنان

در شاکله حقوق انسان در اسلام، مسئله ای تحت عنوان «حقوق جنسیتی زن» مطرح شده است، که در تمامی قوانین اقتصادی، جزایی، عبادی، سیاسی و اجتماعی، به منظور حفظ توازن اجتماعی و اجرای عدالت، ساری و جاری است و امتیازات و تسهیلات اشتغال زنان، الهام گرفته از قانون الهی است.^۱ در برنامه ریزی عدالت اجتماعی، به هیچ صنفی - اعم از زن و مرد - نباید ظلم و تبعیض وارد شود. اگر نگرش به زن، نگرشی خاص باشد و باعث شود که زن از جایگاه اصلی انسانی خود خارج شود، به تبع آن، مرد هم نمی تواند در جایگاه انسانی خود قرار گیرد.

یکی از نقش های مهم زن، نقش همسری و دیگری نقش مادری است. در نگرش اسلام، همیشه «انسان» و هدایت او مدنظر بوده، بدون این که زن یا مرد به تنها یی لحاظ شده

باشد. از این رو، در طرح مباحث جدید مربوط به زنان، نباید منفعلانه برخورد کرد، بلکه باید با استفاده از مبانی متقن اسلامی، سعی کنیم به حل معضلات و مشکلات پردازیم. از دیدگاه اسلام، تفاوت های زن و مرد «تناسب» است، نه نقص و کمال. قانون خلقت خواسته است با این تفاوت ها تناسب بیشتری میان زن و مرد که قطعاً برای زندگی مشترک ساخته شده اند (و مجرد زیستن، انحراف از قانون خلقت است)، به وجود آورد.^۱

بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام، با ذکر مطالب طرح شده، آسان تر و جامع تر خواهد بود. زن در اسلام مجبور نیست برای خود یا خانواده اش کار کند و نفقة دادن از ناحیه مرد به زن واجب شرعی است. زن مکلف به اشتغال نیست، مگر این که احتیاج به شغل داشته یا اشتغال برای او ضرورت یافته باشد و یا به سبب امری که وجوه کفایی اشتغال را برای زنان در بردارد و باید نیازهای جامعه با اشتغال برطرف شود.^۲

۱- مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۲- محمد عبدالقادر ابوفارس، حقوق المرأة، ص ۲۶ و ۲۷

قرآن کریم، برای زنان همانند مردان، حق کسب و فعالیت اقتصادی قائل است: «برای مردان از آن چه کسب کرده اند، بهره ای است و برای زنان (نیز) از آن چه کسب کرده اند، بهره ای است.»^۱

در عصری که جوامع بشری برای زن هیچ گونه حقوق اقتصادی و اشتغال قائل نبودند و حتی زن از حقوق اولیه انسانی محروم بود، اسلام برای زن، حقوق مالی و اقتصادی قائل بود. یکی از حقوق دانان در این خصوص می نویسد: استقلالی که زن در اموال خود دارد و فقه شیعه از ابتدا آن را شناخته است، در یونان، روم و ژرمن و تا چندی پیش هم در حقوق غالب کشورها، وجود نداشته است.^۲

اشتغال زنان در عصر پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) به شکلی گسترده به چشم می خورد و در تمامی شغل های رایج آن

زمان، زنان حضور داشتند. زنان در این دوره به مشاغلی از قبیل پزشکی، تجارت و صنایع دستی اشتغال داشتند.^۱

مطلوب عمدۀ در فرهنگ اشتغال زنان، از منظر اسلام، حفظ جایگاه و متنزلت زن است و این امر باید در اشتغال زنان لحاظ گردد. در تفکر اسلامی، حفظ و گسترش نهاد خانواده بر پایه ویژگی های فطری و طبیعی زن و مرد، اولویت و اهمیت خاصی دارد و در کنار آن، بر امکان اشتغال و استقلال مالی زنان تأکید شده است. اسلام اشتغال را برای زن هدف نمی داند، بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می پذیرد و اشتغال را به عنوان یکی از راه های افزایش قابلیت و شکوفایی استعداد زنان و در جهت تعالی و کمال آنان می پذیرد.

- مهدی مهریزی، «امام خمینی و گستره آزادی زنان»، ماهنامه پیام زن، مهرماه ۱۳۷۸، ص ۵۸